

نقد ساختار صنعتی آسیب‌پذیر در ایران و اولویت‌بندی صنایع بر اساس اقتصاد مقاومتی

مهدی صادقی شاهدانی*

سیدمهدی موسوی برودی**

چکیده

در این پژوهش با تبیین اقتصاد مقاومتی و استخراج مؤلفه‌های آن در راستای تعیین الگوی توسعه زیر بخش‌های صنعت، بر اساس دو مؤلفه اصلی حفظ روند رو به رشد و کاهش آسیب‌پذیری به تبیین سه راهبرد اصلی صنعت دانش‌بنیان، ارتقاء بهره‌وری و کارایی و رهایی از وابستگی پرداخته و در هر یک از این راهبردها به تبیین شاخص‌های اولویت‌بندی و توسعه صنایع (پانزده شاخص کمی و کیفی) بر مبنای اقتصاد مقاومتی پرداخته شده است. سپس با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی و دریافت پرسشنامه از بیست‌وهفت نفر از نخبگان دانشگاه و صنعت به اولویت‌بندی شاخص‌ها با استفاده از نرم‌افزار جهت سیاست‌گذاری‌های صنعتی در سطح کلان پرداخته شده است. در این پژوهش اولین اولویت در جهت اجرایی نمودن اقتصاد مقاومتی در صنایع کشور، کاهش وابستگی صنایع به مواد اولیه خارجی هست، دومین اولویت تقویت صنایع استراتژیک مرتبط با نیازهای اساسی مردم بوده و سومین اولویت نیز افزایش میزان آموزش کارکنان هر رشته فعالیت صنعتی در راستای تقویت صنعت دانش‌بنیان می‌باشد. بر اساس نتایج این پژوهش رشته‌های فعالیت‌های تولید ابزارهای اپتیکی و تجهیزات عکاسی و تولید تجهیزات پزشکی و جراحی و رشته فعالیت تولید تجهیزات کنترل عملیات صنعتی در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفتند

* دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران sadeghi@isu.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران (نویسنده مسئول)، barrodi@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۱

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، تحریم، توسعه صنعت، رهایی از وابستگی، صنعت دانش‌بنیان، ارتقاء بهره‌وری، تحلیل سلسله مراتبی.

۱. مقدمه

صنعتی شدن به مفهوم توسعه و استفاده از ابزار، ماشین و انرژی برای توانمندسازی انسان جهت کنترل و بهره‌برداری از طبیعت و بهبود زندگی فردی و اجتماعی است، لذا این امر با استفاده از علم در توسعه و فناوری در تولید شکل گرفته و نظم و انضباط و نظام کار جمعی را در جامعه برای هم‌افزایی توان و استعداد فردی و افزایش بهره‌وری نیروی کار جمعی ایجاد می‌نماید. صنعتی شدن مستلزم آزادسازی استعدادها و ایجاد بستر شکوفایی آن‌ها است و صنعتی شدن پایدار، یک الزام برای پیشرفت، توانمندشدن جامعه و حفظ محیط‌زیست و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی است. با توجه به اهمیت بخش صنعت در اقتصاد کشور به‌عنوان یک بخش مولد و دارا بودن حدود یک‌پنجم از تولید ناخالص کشور، بررسی و نقد عوامل و متغیرهای اثرگذار بر این بخش از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا در این پژوهش در ابتدا به نقدی اجمالی از ساختار صنعتی کشور داشته و سپس بر اساس راهبردهای کلان اقتصاد مقاومتی و نقاط آسیب‌پذیر چرخه تولیدات صنعتی کشور به تعریف و رتبه‌بندی شاخص‌های اولویت‌بندی صنایع بر مبنای اقتصاد مقاومتی پرداخته و در نهایت شاخص‌ها و اولویت‌های اساسی صنایع کشور را مشخص می‌سازیم.

۲. نقد ساختار صنعتی آسیب‌پذیر در ایران

به‌صورت اجمالی و خلاصه می‌توان گفت که در طول دهه ۱۳۸۰ یک‌روند مداوم نزولی در سهم صنعت از کل اقتصاد ایران بر اساس قیمت‌های جاری و به عبارتی کوچک شدن بخش صنعت ملاحظه می‌شود. همچنین نگاهی به ساختار فعلی بخش صنعت در ایران نشان می‌دهد که به‌غیر از صنایع تولید مواد غذایی و آشامیدنی، عمده بخش صنعت در ایران بر صنایع مبتنی بر نفت و گاز و مواد معدنی متمرکز شده و می‌توان گفت که بخش صنعت در ایران بخشی متکی بر منابع است (اژدری و حیدری، ۱۳۹۴) که شدت آسیب‌پذیری این بخش را بالا می‌برد. این کاهش متوسط نرخ رشد صنعتی در دهه گذشته و تمرکز بخش صنعت به صنایع سرمایه‌بر رانیز می‌تواند از مهم‌ترین علل اشتغال‌زایی ناکافی بخش صنعت دانست که می‌بایست برای رفع این آسیب توجه جدی‌تری به بنگاه‌های کوچک و متوسط

که نقش مهمی در ایجاد اشتغال دارند داشته و از یک راهبرد رشد صنعتی پایدار تبعیت نمود. همچنین با توجه به اهمیت سرمایه‌گذاری در افزایش ظرفیت‌های تولیدی شواهد نشان می‌دهد که بخش صنعت و معدن به‌طور نسبی جایگاه خود را نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی از دست داده است و سرمایه‌گذاری کمتری در این بخش صورت می‌گیرد. همچنین این سرمایه‌گذاری در بخش صنعت نیز نامتقارن بوده و بسیار متمرکز بر صنایع فلزی و صنایع کانی غیرفلزی است که وابسته به ذخایر معدنی هستند (ازدوری، ۱۳۹۴). همچنین بر اساس سند برنامه راهبردی وزارت صنعت و معدن و تجارت (تیرماه ۱۳۹۴) از مهم‌ترین چالش‌های صنعت و معدن کشور در عرصه تولید کالاهای صنعتی می‌توان به سهم پایین صنعت و معدن در تشکیل سرمایه ثابت کل، کاهش سهم بهره‌وری کل عوامل در رشد صنعتی، پایین بودن زمینه‌های توسعه قابلیت‌های فناوری روزآمد، پایین بودن نسبی کیفیت محصولات تولیدی و ضعف در برخورداری از استانداردهای بین‌المللی و وجود خام‌فروشی و صادرات مواد خام صنعتی و معدنی دانست. بر اساس این چالش‌ها در این برنامه راهبردی اهداف کلی همچون افزایش سهم ارزش‌افزوده بخش صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی به‌منظور صنعتی نمودن کشور، ارتقای بهره‌وری، افزایش سهم تولیدات با فناوری متوسط و بالا در ارزش‌افزوده و صادرات صنعتی کشور، افزایش سهم و نقش بخش خصوصی در فعالیت‌های بخش صنعت و معدن و تجارت و ارتقای شاخص‌های زیست‌محیطی در راستای رسیدن به اهداف توسعه پایدار در نظر گرفته شده است. از مهم‌ترین نقدهایی که می‌توان به این سند به‌عنوان بالاترین سند اجرایی توسعه ساختار صنعتی کشور اشاره نمود به بی‌توجهی به صنایع با فناوری بالا اشاره نمود، طبق برخی از آمارها امروزه بیش از ۵۰ درصد ارزش صادرات کشورهای در حال توسعه صادرات کالاها و تولیدات با فناوری پیشرفته است که این سهم در صادرات صنعتی ایران کمتر از یک درصد است. همچنین در این سند از صنایع کوچک و SME ها و کارآفرینی نیز فراموش شده است. همچنین در این سند تحلیل مشکلات درون صنعت نیز اندیشیده نشده است در یک تقسیم‌بندی کلی از مشکلات تولید در صنعت کشور را می‌توان به سه نوع مشکلات فرا بنگاهی و بین بنگاهی و درون بنگاهی تقسیم نمود. رانت کنونی نفت در کشور باعث شده است که سیاست سرکوب قیمتی یا وام‌های ارزان قیمت ایجاد شده که انگیزه ارتقای کیفیت و فناوری را کاهش می‌دهد. یکی دیگر از مشکلات فرا بنگاهی در صنعت نیز ناشی از نا اطمینانی‌های ناشی از کسب‌وکار و نامشخص بودن افق آینده است. در حوزه بین بنگاهی نیز می‌توان گفت که در برخی صنایع کشور با ایجاد

برخی رانت‌ها، مجوز قیمت‌شکنی و مانع ورود به شرکت‌ها داده می‌شود که این نا اطمینانی برای دیگر بنگاه‌ها سبب عدم انگیزه کافی برای سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری و ... می‌شود. (رجب‌پور، ۱۳۹۴) در بخش درون بنگاهی نیز پایین بودن بهره‌وری نیروی کار؛ پایین بودن بهره‌دهی انرژی؛ نیازمندی به واردات کالاهای اولیه و دستگاه‌های صنعتی رشته فعالیت‌های با توجه به فضای تحریم، نیازمندی شدید بنگاه‌ها به تأمین مالی سرمایه در گردش و عدم سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی و خارجی در صنایع و ... را می‌توان از مهم‌ترین مشکلات ساختار صنعتی کشور دانست.

۳. پیشینه تحقیق

عراقی و رضایی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تعیین صنایع استراتژیک اقتصاد ایران» با استفاده از روش تاکسونومی (TAXONOMY) عددی به اولویت‌بندی صنایع جهت تخصیص بهینه منابع می‌پردازند. در این تحقیق پس از حذف هم خطی بین شاخص‌ها، فعالیت تولید آهن، فولاد و محصولات آن در رتبه اول، صنایع تولید محصولات لاستیکی و پلاستیکی در رتبه دوم و سایر محصولات کانی در رتبه سوم قرار گرفته‌اند.

تفضلی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «رتبه‌بندی صنایع در بخش تعاون با توجه به شاخص‌های توسعه محور تأثیرگذار برافزایش سهم تعاون در اقتصاد کشور» با استفاده از روش‌های آماری مانند تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی به اولویت‌بندی صنایع در بخش تعاون کشور در سال ۱۳۸۳ پرداخته است. یافته‌های این پژوهش در مورد رتبه‌بندی صنایع تعاونی نشان می‌دهد که صنعت تولید مواد غذایی و آشامیدنی به دلیل برخی از ویژگی‌هایی همچون در اختیار بودن نیروی کار ارزان و گاه غیرمتخصص و نیز وجود مواد اولیه موردنیاز این صنعت در داخل کشور، در رتبه اول اولویت قرار می‌گیرد. بنابراین، توجه به آن سبب افزایش درجه توسعه‌یافتگی صنعت در بخش تعاون می‌گردد.

پهلوانی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «اولویت‌بندی سرمایه‌گذاری با استفاده از روش تصمیم‌گیری گروهی سلسله‌مراتبی (TOPSIS) در محیط فازی» به ارائه مدلی برای اولویت‌بندی سرمایه‌گذاری در صنایع مختلف که مرتبط با حوزه فعالیت بانک صنعت و معدن هستند، پرداخته است. رتبه اول این پژوهش مربوط به صنایع پالایشگاه و پتروشیمی است؛ صنایع فلزات اساسی با اختلاف اندکی در رتبه دوم قرار دارد و صنایع کانی غیرفلزی از جمله صنایع سیمان در رتبه سوم قرار گرفته است.

سلیمی فر و شیرزور (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی و تحلیل مزیت‌های رتبه‌ای صنایع در استان‌های خراسان» با استفاده از تلفیق روش‌های تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی به تحلیل رتبه‌ای صنایع استان‌های خراسان در مقاطع زمانی ۱۳۷۴، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۲ می‌پردازند. بر اساس نتایج این تحقیق، تعداد محدودی از صنایع استان در سه مقطع موردبررسی جایگاه خود را حفظ کرده‌اند. مجموعه‌ی فعالیت‌های صنعتی قرارگرفته در اولویت اول طی سه مقطع زمانی موردبررسی، دارای ترکیب ثابتی نبوده است و با گذشت زمان تغییرات محسوس داشته است به سمت صنایع شیمیایی، الکتریکی، لاستیکی معطوف گردیده است

هوشمند و خدادوست (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «رتبه‌بندی صنایع فهرست شده در بورس اوراق بهادار تهران بر اساس میزان برخورداری از شاخص‌های مطلوب» با استفاده از روش تحلیل تاکسونومی عددی، تمام صنایع موجود بر اساس میزان برخورداری از شاخص‌ها را در ۷ مقطع زمانی شش‌ماهه از ابتدای سال ۱۳۸۰ تا پایان شهریور ۱۳۸۳ رتبه‌بندی نموده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد صنعت واسطه‌گری مالی از بالاترین رتبه و صنعت نساجی از پایین‌ترین رتبه در رسیدن به اهداف مطلوب برخوردار است.

نبوی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان رتبه‌بندی صنایع ایران بر اساس تکنیک‌های تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه به رتبه‌بندی صنایع ایران با استفاده از روش‌های تحلیل چندگانه از جمله تحلیل مؤلفه اصلی، تاکسونومی عددی با استفاده از شاخص‌های متعدد در چارچوب کارت امتیازی متوازن، پرداخته است. در نهایت در رتبه‌بندی صنایع ایران، صنایع تولید زغال کک و پالایشگاه‌های نفت رتبه اول، تولید فلزات اساسی رتبه دوم و تولید محصولات توتون و تنباکو رتبه آخر را کسب کرده است.

جهانگیری و نصیری (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری صنعتی کشور با استفاده از تکنیک تاکسونومی» به کمک شاخص‌های اولویت‌بندی و تأکید بر شاخص مزیت نسبی آشکار شاخص‌های صنایع را محاسبه و سپس با استفاده از کدهای سه‌رقمی (International Standard Industrial Classification ISIC) از روش تاکسونومی صنایع مذکور را رتبه‌بندی کرده‌اند. نتیجه‌ی این پژوهش نشان می‌دهد که سه گروه صنایع در کشور وجود دارد که اولویت‌بندی کلی آن‌ها عبارت‌اند از: گروه اول دارای مزیت تولیدی و مزیت تجاری، گروه دوم دارای مزیت تولیدی بدون مزیت تجاری، گروه سوم دارای مزیت تجاری و بدون مزیت تولیدی هستند. فعالیت‌های مربوط به تولید و

تعمیر انواع وسیله‌ی نقلیه آبی، تولید مواد شیمیایی اساسی...، تولید فرآورده‌های نفتی تصفیه‌شده، تولید محصولات کانی غیرفلزی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر، تولید محصولات اولیه‌ی آهن و فولاد، تولید محصولات از توتون و تنباکو-سیگار، ریسندگی، بافندگی و تکمیل منسوجات، تولید کاغذ و کاغذسازی، تولید وسایل نقلیه‌ی موتوری جزء گروه اول محسوب می‌شوند؛ گروه دوم اولویت‌های سرمایه‌گذاری صنعتی، شامل فعالیت‌هایی است که در آن‌ها کشور در سطح جهان از مزیت تولیدی برخوردار است، ولی دارای مزیت تجاری نیست که از این صنایع به تولید محصولات فلزی ساختمانی، مخازن، انباره‌ها و مولدهای بخار، تولید ماشین‌آلات اداری و حسابگر و محاسباتی، تولید کفش، تولید سایر محصولات شیمیایی، عمل آوردن و رنگ کردن پوست خردار، تکثیر رسانه‌های ضبط‌شده، اشاره کرد. گروه سوم اولویت‌های سرمایه‌گذاری در صنایع عبارت‌اند از: صنایع تولید و عمل‌آوری و حفاظت گوشت، ماهی، میوه، سبزیجات، روغن‌ها و چربی‌ها از فساد، تولید دستگاه‌های توزیع و کنترل برق، تولید سیم و کابل عایق‌بندی شده، تولید محصولات پلاستیکی به‌جز کفش، تولید ماشین‌آلات با کاربرد خاص اشاره نمود.

معصوم زاده و تراب‌زاده (۱۳۸۳) نیز در مقاله‌ای با عنوان «رتبه‌بندی تولیدات صنعتی کشور» به تعیین صنایع اولویت‌دار و شناسایی مزیت کشور در تولیدات صنعتی با استفاده از دودسته فاکتورهای مختلف اقتصادی و غیراقتصادی انجام و فعالیت‌های صنعتی در ۶۱ گروه بر اساس سیستم طبقه‌بندی بین‌المللی "ISIC" با استفاده از مدل فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی پرداخته‌اند. نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که بهترین گزینه یا رتبه اول مربوط به «ساخت محصولات کانی غیرفلزی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر» و پایین‌ترین رتبه مربوط به «گروه ساخت فرآورده‌های کوره کک» است.

۴. الزامات توسعه صنعتی در اقتصاد مقاوم

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری و دیگر اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران از جمله سند ابلاغی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در راستای تعیین و تبیین راهبردهای کلان پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در حوزه صنعت می‌توان به دو مؤلفه اساسی اقتصاد مقاومتی یعنی حفظ روند رو به رشد و کاهش آسیب‌پذیری اشاره نمود. لذا با توجه به این مؤلفه‌ها، صنایع کشور می‌بایست روند رو به رشدی داشته باشند و از سوی دیگر با حفظ این روند رو به رشد خود، آسیب‌پذیری‌های خود نسبت به تمامی ریسک‌های داخلی و خارجی را

پوشش داده و به حداقل ممکن برسانند تا در تمام زمان‌ها - چه در زمان تحریم و چه در زمان غیر تحریم- بتوانند به سرعت واکنش نشان داده و آسیب نبینند.
بر این اساس می‌توان به موارد زیر به‌عنوان الزاماتی جهت اجرایی نمودن اقتصاد مقاومتی در حوزه صنعت اشاره نمود.

۱.۱.۴ حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی با تکیه بر مردم

از فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت در مورخه ۱۳۹۱/۰۶/۰۵ در باب حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی با تکیه بر مردم و همچنین بندهای اول و بیستم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌توان مؤلفه‌هایی همچون (۱) حمایت از صنعت، (۲) فعال‌سازی واحدهای کوچک و متوسط صنعتی و (۳) توان‌بخشی و تقویت بخش خصوصی در حوزه صنعت را در جهت عملیاتی نمودن اقتصاد مقاومتی در حوزه صنعت برداشت نمود.

۲.۱.۴ ارتقاء بهره‌وری و کارایی

از فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام در مورخه ۱۳۹۱/۳/۵ که تأکید بر تولید داخلی و مدیریت مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر داشته است و همچنین بندهای سوم و چهارم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، در باب صنایع می‌توان این برداشت را نمود که صنایع کشور می‌بایست بهترین و باکیفیت‌ترین محصولات همراه باقیمت پایین را تولید نموده تا در برابر دیگر محصولات مشابه خارجی توان رقابت و بازاریابی داخلی جهت مصارف مردم داشته باشند، لذا می‌توان یکی دیگر از الزامات صنایع در عملیاتی نمودن اقتصاد مقاومتی در حوزه صنعت را تولید محصولات باکیفیت با هزینه تمام‌شده کمتر دانست که لازمه این امر، افزایش کارایی و بازدهی کارگاه‌های صنعتی همراه با کاهش هزینه استهلاک و دیگر هزینه‌ها هست. همچنین با استفاده حداکثری از منابع و امکانات کشور رانیز می‌توان زیرمجموعه این الزام اقتصاد مقاومتی دانست، به‌عنوان مثال می‌بایست پروژه‌های عمرانی، کارخانه‌ها و ... که در صنایع شروع به ساخت شده‌اند، در زمان مقرر و برنامه‌ریزی شده خود به پایان رسیده و برای تحقق این امر باید از تمام ظرفیت انسانی و سرمایه‌ای کشور با بیش‌ترین بهره‌وری و کارایی استفاده گردد. همچنین از این فرمایش مقام معظم رهبری (۱۳۹۱/۳/۵) نیز می‌توان افزایش اثربخشی و بالا بردن کارایی صنایع با توجه به محدودیت‌های ایجادشده از ناحیه تحریم‌های بین‌المللی را نیز برداشت

نمود. چراکه با توجه به تحریم‌ها و کاهش امکانات وارداتی قبل از تحریم، دیگر فرصت برای اهمال و کم‌کاری و تولید باراندمان پایین نیست و باید با تمام توان و استفاده حداکثری از منابع، زمان و امکانات به دفع این توطئه‌های دشمن در حوزه صنعت پرداخت.

۳.۱.۴ اقتصاد دانش‌بنیان

عبور از اقتصاد وابسته به منابع اولیه و متکی بر فروش مواد خام و کم‌فرآوری شده، تنها از مسیر اقتصاد نوآور و تولید دانش‌بنیان میسر است. این مهم همچنین به‌صورت صریح در مقدمه و بند دوم از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ذکر گردیده است.

۴.۱.۴ مقاوم بودن اقتصاد

هم‌اکنون با توجه به فضای صنعت کشور، با توجه به وضع تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص در حوزه‌های مالی و ارزی کشور، صنعت کشور با مشکلات فراوانی در عرصه واردات مواد اولیه صنایع، کالاهای واسطه‌ای و همچنین سرمایه‌گذاری در حوزه صنعت مواجه گردیده است. رهایی از وابستگی را می‌توان یکی از راهبردهای اقتصاد مقاومتی در راستای مقاوم‌سازی اقتصاد دانست. این الزام نیز به‌صورت ضمنی در بندهای ۶ و ۷ و ۱۲ و ۱۳ و ۲۴ اشاره گردیده است.

۲.۴ راهبردهای کلان اقتصاد مقاومتی در حوزه صنعت با تأکید بر کاهش آسیب‌پذیری تولید

با توجه به فرامین رهبری و الزامات اقتصاد مقاومتی و همچنین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌توان گفت صنایع کشور در حوزه‌های رهایی از وابستگی، بالا بردن کارایی و بهره‌وری صنایع و همچنین صنایع دانش‌بنیان در جهت عملیاتی نمودن اقتصاد مقاومتی در حوزه صنعت گام برداشته تا شاهد حفظ روند رو به رشد صنایع و همچنین کاهش آسیب‌پذیری باشیم.

۱.۲.۴ رهایی از وابستگی

با توجه به مقدمه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که اقتصاد مقاومتی را با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا در نظر گرفته است،

رهایی از وابستگی در عین برون‌گرایی را می‌توان یکی از راهبردهای کلان اقتصاد مقاومتی دانست.

۲.۲.۴ اقتصاد دانش‌بنیان

با توجه به مقدمه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی کشور می‌بایست اقتصادی متکی به دانش و فناوری داشته باشد و اقتصاد دانش‌بنیان (Knowledge - Based Economy) باشد. این الزام در بندهای اول (توسعه کارآفرینی) و دوم (پیشسازی اقتصاد دانش‌بنیان، ... و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات) و بند پنجم (افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه) نیز به‌صراحت اشاره شده است که می‌بایست صنایع کشور نیز در این خصوص فعال گردند.

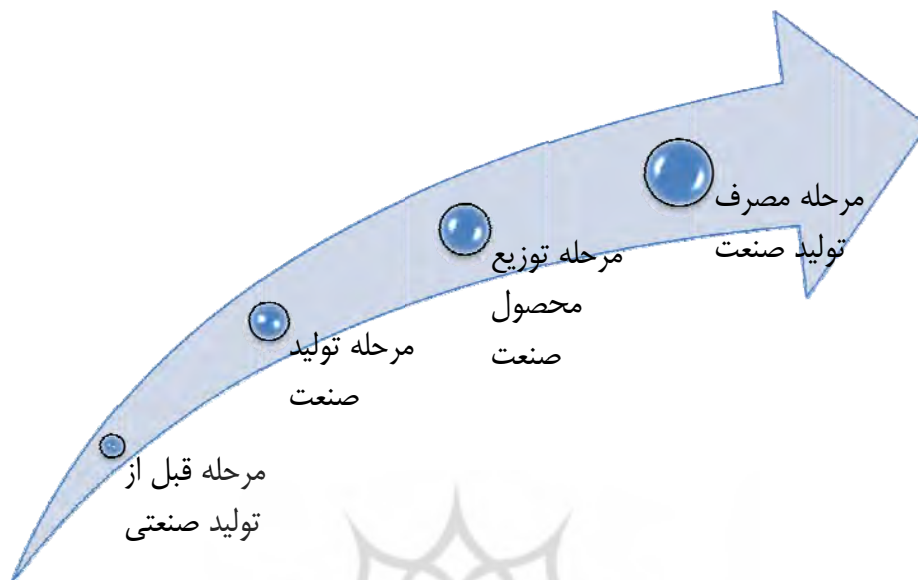
۳.۲.۴ افزایش کارایی و بهره‌وری

با توجه به بند سوم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (محور قرار دادن رشد بهره‌وری (Productivity) در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار) و بند چهارم و پنجم که به افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری و کاهش شدت انرژی و افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه اشاره دارد؛ لازم است که یکی از راهبردهای اجرایی سازی اقتصاد مقاومتی در کاهش آسیب‌پذیری کلان صنایع قرار گیرد.

۳.۴ شاخص‌های اولویت‌بندی صنایع بر مبنای اقتصاد مقاومتی در راستای تدوین

الگوی توسعه زیر بخشی

با توجه به سه راهبرد رهایی از وابستگی، ارتقاء کارایی و بهره‌وری و صنعت دانش‌بنیان و همچنین با توجه به محدودیت‌های آماری در برخی از شاخص‌های رتبه‌بندی صنایع و اهمیت بیشتر مرحله تولید در حوزه صنعت نسبت به مرحله قبل از تولید کالاهای صنعتی و مراحل پس از تولید کالاهای صنعتی (توزیع، فروش و مصرف) در این قسمت به تعریف و تبیین هر یک از شاخص‌های استفاده‌شده در این پژوهش می‌پردازیم.



شکل ۱ مراحل تولید صنعتی

۱.۳.۴ شاخص‌های راهبرد رهایی از وابستگی

در زیرمجموعه شاخص‌های راهبردی رهایی از وابستگی چهار شاخص اساسی تقویت صنایع بخش خصوصی، تقویت صنایع استراتژیک مرتبط با نیازهای اساسی مردم و شاخص‌های کاهش وابستگی به مواد اولیه خارجی و سرمایه خارجی با توجه به فضای اقتصاد مقاومتی و همچنین محدودیت‌های آماری احصاء شده است.

۱.۱.۳.۴ تقویت صنایع بخش خصوصی

همان‌طور که اشاره گردید، یکی از الزامات اقتصاد مقاومتی تکیه بر مردم و استفاده از تمامی توان و ظرفیت مردم در عملیاتی نمودن اقتصاد مقاومتی هست. همچنین با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص تقویت بخش خصوصی و همچنین اصل ۴۴ قانون اساسی یکی از شاخص‌های اولویت‌بندی صنایع را می‌توان تقویت صنایع خصوصی دانست. این شاخص از تقسیم تعداد کارگاه‌های صنعتی با مدیریت بخش خصوصی به تعداد کل کارگاه‌های آن رشته فعالیت به دست می‌آید، هر چه این نسبت بزرگ‌تر باشد،

نشان‌دهنده تمایل بیشتر بخش خصوصی به این رشته فعالیت بوده و برای تقویت این رشته فعالیت باید سرمایه‌گذاری‌ها در اولویت قرار گیرد.

۲.۱.۳.۴ تقویت صنایع استراتژیک مرتبط با نیازهای اساسی مردم

یکی از ویژگی‌های بخش صنعت جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ در جهت رساندن کشور به رتبه منطقه یک در منطقه، صنعتی هست که تأمین‌کننده محصولات موردنیاز جامعه، باکیفیت و قیمت مطلوب و حفظ حقوق مصرف‌کنندگان، خوداتکا در تأمین کالاها و خدمات اساسی مردم باشد. همچنین مفهوم خودکفایی در اسلام در جامعه‌ای تحقق می‌یابد که توانایی رفع نیازمندی‌های خود را در سطح عالی رفاہ داشته باشد. لذا با توجه به الزامات اقتصاد مقاومتی و کاهش آسیب‌پذیری جمهوری اسلامی ایران از توطئه‌های دشمنان لازم است صنایع که به صورت مستقیم به رفع نیازهای اساسی و معیشتی مردم می‌پردازند در اولویت اول سرمایه‌گذاری قرار بگیرد.

۳.۱.۳.۴ کاهش وابستگی به مواد اولیه خارجی

بر اساس اصل خودکفایی و استقلال اقتصادی و با توجه به ایجاد تحریم‌های شدید بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران که به صورت مستقیم واردات کالا و همچنین بازار ارز کشور را با بحران جدی مواجه نموده است، صنایعی در اولویت قرار خواهند گرفت که به میزان کمتری از مواد اولیه خارجی در تولید خود استفاده نموده و آسیب‌پذیری بسیار کمتری از تحریم‌ها و نوسانات بین‌المللی خواهد داشت. لذا این شاخص از تقسیم ارزش مواد اولیه خارجی به کل مواد اولیه مصرفی رشته فعالیت‌های صنعتی به دست آمده و هر چه این نسبت کمتر باشد، رشته فعالیت مذکور در اولویت بالاتری جهت سرمایه‌گذاری قرار می‌گیرد.

۴.۱.۳.۴ کاهش وابستگی به سرمایه خارجی

بر اساس اصل خودکفایی و استقلال اقتصادی و با توجه به ایجاد تحریم‌های شدید بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران که به صورت مستقیم جریان‌های ورودی و همچنین بازار ارز کشور را با بحران جدی مواجه نموده است، صنایعی در اولویت قرار خواهند گرفت که به میزان کمتری از سرمایه خارجی و تحصیل سرمایه خارجی در تولید خود استفاده نموده و آسیب‌پذیری بسیار کمتری از تحریم‌ها و نوسانات بین‌المللی خواهد داشت. لذا این شاخص از تقسیم ارزش کل خرید اموال سرمایه‌ای خارجی به کل خرید

اموال سرمایه‌ای رشته فعالیت‌های صنعتی به‌دست‌آمده و هر چه این نسبت کمتر باشد، رشته فعالیت مذکور در اولویت بالاتری جهت سرمایه‌گذاری قرار می‌گیرد.

۲.۳.۴ شاخص‌های راهبرد صنعت دانش‌بنیان

در دوره‌ی فرا صنعتی که برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی وارد این دوره شده‌اند و جمهوری اسلامی ایران نیز باید هر چه زودتر با توجه به مناسبات جهانی و تحولات جهانی صنعت در جهت حفظ روند رو به رشد و کاهش آسیب‌پذیری خود وارد این دوره شود، فناوری‌های پیشرفته‌ی ارتباطی و خودکارسازی روش تولید صنایع هست، قدرت تفکر و اندیشه‌های خلاق منبع کلیدی تولید بوده و اطلاعات، دانش و تحقیق سرمایه کلیدی صنایع هست. (حسینی؛ ۱۳۸۶) لذا با توجه به فرمایشات رهبری در مورد رابطه اقتصاد و علم، شرکت‌ها و صنایع دانش‌بنیان می‌توان یکی دیگر از راهبردهای کلان اولویت‌بندی صنایع بر مبنای اقتصاد مقاومتی را، صنعت دانش‌بنیان دانست. با توجه به محدودیت‌های آماری می‌توان از شاخص‌های زیر به‌عنوان شاخص‌های اولویت‌بندی صنایع بر مبنای اقتصاد مقاومتی در راستای راهبرد کلان صنعت دانش‌بنیان نام برد.

۱.۲.۳.۴ افزایش میزان آموزش کارکنان

یکی از مشکلات کنونی صنایع کشور عدم آموزش و توانمندسازی کارکنان و کارگران (نیروی انسانی) صنایع هست، همچنین با پیشرفت روزانه علوم مرتبط با صنایع و لزوم به‌کارگیری این علوم در فرایند تولیدات صنعتی نیازمند آموزش مداوم کارکنان و کارگران کارگاه‌های صنعتی در جهت اجرایی کردن این علوم در فرایند ساخت و تولید محصولات صنعتی باشیم. لذا با توجه به راهبرد صنعت دانش‌بنیان یکی از شاخص‌های اولویت‌بندی صنایع بر مبنای اقتصاد مقاومتی را می‌توان افزایش نسبت هزینه آموزش کارکنان صنایع نسبت به جمع کل هزینه‌ها این صنایع دانست. هراندازه این نسبت برای رشته فعالیت صنعتی بزرگ‌تر باشد، آن رشته فعالیت در اولویت بالاتری جهت سرمایه‌گذاری و حمایت در راستای اولویت‌بندی صنایع قرار می‌گیرد.

۲.۲.۳.۴ افزایش میزان هزینه تحقیقات و آزمایشگاه

در راستای راهبرد کلان صنعت دانش‌بنیان، یکی از ملزومات عملیاتی شدن این راهبرد در صنایع کشور، افزایش و ارتقاء سطح کمی و کیفی اختراعات و نوآوری‌های صنعتی و همچنین ارتقاء سطح کیفیت محصولات صنعتی در جهت کسب مزیت‌های رقابتی در

بازارهای بین‌المللی هست و این مهم دست پیدا نخواهد کرد مگر با افزایش میزان تحقیقات و آزمایش‌های گوناگون در باب رشته فعالیت‌های صنعتی مختلف، لذا می‌توان از افزایش نسبت هزینه‌های تحقیقات و آزمایشگاه رشته فعالیت صنعتی نسبت به جمع کل هزینه‌های رشته فعالیت صنعتی به‌عنوان یکی از شاخص‌های اولویت‌بندی صنایع بر مبنای اقتصاد مقاومتی اشاره کرد.

۳.۲.۳.۴ افزایش نسبت شاغلین متخصص هر صنعت به کل شاغلین صنعت

در راستای راهبرد کلان صنعت دانش‌بنیان، یکی دیگر از ملزومات عملیاتی شدن این راهبرد در صنایع کشور، ورود متخصصین به صنایع جهت پررنگ نمودن دانش و تحقیقات در فرآیند تولید کالاهای صنعتی هست. لذا در جهت تشخیص سطح فناوری صنایع و اولویت‌بندی صنایع با سطح فناوری بالاتر جهت حمایت و سرمایه‌گذاری می‌توان از شاخص نسبت شاغلین متخصص هر صنعت به کل اشاره نمود که هر چه این نسبت برای رشته فعالیت صنعتی بیشتر باشد، آن رشته فعالیت در اولویت بالاتری قرار می‌گیرد.

۳.۳.۴ شاخص‌های راهبرد ارتقاء کارایی و بهره‌وری

بهره‌وری بیانگر رابطه ستانده‌ها و نهاده‌ها در فرآیند تولید هست. با افزایش بهره‌وری به ازای نهاده‌های موجود در اقتصاد ارزش افزوده بیشتری ایجاد شده و در نتیجه درآمد بیشتری فراهم گشته و بین عوامل تولید توزیع می‌گردد. در واقع بهبود بهره‌وری منجر به بهبود استانداردهای زندگی می‌شود. با توجه به نقش تعیین‌کننده بهره‌وری در رشد و توسعه اقتصادی کشور، تهیه شاخص‌های بهره‌وری مورد توجه قرار می‌گیرد. (احمدی نیا، ۱۳۸۴)

این شاخص‌ها یکی از ابزارهای ارزیابی تغییرات فناوری در اقتصاد و شناسایی عدم کارایی‌ها می‌باشند. همچنین با بهره‌گیری از این شاخص‌ها می‌توان تغییرات توان رقابت‌پذیری اقتصاد کشور را ارزیابی نمود. همچنین با این شاخص‌ها می‌توان روند رو به رشد صنایع و هم میزان آسیب‌پذیری صنایع مختلف را مورد بررسی قرارداد. در این پژوهش با توجه به روش تحلیل سلسله مراتبی از روش شاخص عددی استفاده شده است. در این روش نسبت شاخص مقداری ستانده به یک داده معین (بهره‌وری تک عاملی) و یا نسبت ستانده به مجموعه‌ای از داده‌ها (بهره‌وری چندعاملی) به‌عنوان شاخص بهره‌وری در نظر گرفته می‌شود.

۱.۳.۳.۴ شاخص بهره‌وری نیروی کار

یکی از معیارهای تشخیص و ارزیابی عملکرد صنایع، شاخص بهره‌وری نیروی کار است که نشان‌دهنده آن است که کدامیک از صنایع، نیروی کار آنها ارزش افزوده بیشتری نسبت به دیگر صنایع تولید می‌کند. این شاخص از تقسیم ارزش افزوده فعالیت صنعتی هر صنعت به تعداد کل شاغلان هر صنعت هست.

۲.۳.۳.۴ شاخص بهره‌دهی مواد اولیه

این شاخص میزان ارزش افزوده ایجادشده در هر صنعت را نسبت به میزان مواد اولیه - به‌غیر از انرژی - آن نشان می‌دهد.

۳.۳.۳.۴ شاخص بهره‌دهی سرمایه‌گذاری

این شاخص میزان ارزش افزوده درازای سرمایه‌گذاری انجام‌شده در هر صنعت را نشان می‌دهد. این شاخص نشان‌دهنده بهره‌وری متوسط سرمایه به عنوان شاخص بازدهی استفاده از عامل سرمایه در تولیدات صنعتی است.

۴.۳.۳.۴ شاخص بهره‌دهی انرژی

فعالیتی را می‌توان نسبت به فعالیت‌های دیگر برخوردارتر نامید که بیشترین صرفه‌جویی را در مصرف عوامل تولیدی به عمل آورد. یکی از مهم‌ترین عوامل تولید با توجه به نوسانات بین‌المللی و کمبودهای پیشرو انرژی هست. این شاخص میزان ارزش افزوده هر صنعت درازای ارزش انرژی مصرفی برای این صنعت را نشان می‌دهد.

۵.۳.۳.۴ شاخص بهره‌وری کل جریان تولید

این شاخص میزان ارزش افزوده ایجادشده در هر صنعت را نسبت به میزان تولیدات آن نشان می‌دهد. هرچه این نسبت بزرگ‌تر باشد نشان‌دهنده ارزش افزوده تولیدشده بیشتری نسبت به تولیدات هست.

۶.۳.۳.۴ شاخص هزینه استهلاک

با توجه به لزوم استفاده حداکثری از زمان، امکانات و منابع به‌عنوان یکی از ملزومات اقتصاد مقاومتی، صنایعی که نسبت هزینه استهلاک آن به کل هزینه‌های آن صنعت هست، لذا هر صنعتی که این نسبت در آن کمتر بود از لحاظ هزینه‌ای به‌صرفه‌تر و دارای بهره‌وری بالاتری می‌باشد.

۷.۳.۳.۴ شاخص میزان انتشار آلاینده‌ها و گازهای گلخانه‌ای

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری در راستای اجرایی نمودن اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک اقتصاد الگو و همچنین کاهش آسیب‌پذیری صنایع و کشور در آینده - و یا حال - شایسته است که برای محیط‌زیست و منابع محیط‌زیست نیز در اولویت‌بندی صنایع بر مبنای اقتصاد مقاومتی اهمیت ویژه‌ای قائل گردید. این شاخص نسبت میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای رشته فعالیت صنعتی به میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای کل صنعت هست.

۸.۳.۳.۴ شاخص میزان نشت پساب‌های صنعتی

در راستای حفاظت از محیط‌زیست، می‌توان یکی دیگر از شاخص‌های اولویت‌بندی صنایع بر مبنای اقتصاد مقاومتی را میزان نشت کل پساب‌های صنعتی رشته فعالیت صنعتی به‌کل میزان پساب‌های صنعتی کل صنعت دانست، لذا هر چه این میزان کمتر باشد، صنایع در اولویت بالاتری قرار می‌گیرند.

۵. اولویت‌بندی صنایع با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی

فرایند تحلیل سلسله مراتبی یکی از جامع‌ترین سیستم‌های طراحی شده برای تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه است؛ زیرا این روش امکان فرموله کردن مسئله را به‌صورت سلسله مراتبی فراهم می‌کند و همچنین امکان در نظر گرفتن معیارهای مختلف کمی و کیفی را در مسئله دارد. این فرایند گزینه‌های مختلف را در تصمیم‌گیری دخالت داده و امکان تحلیل حساسیت روی معیارها و زیر معیارها را دارد، علاوه بر این بر مبنای مقایسه زوجی بناشده، که قضاوت و محاسبه را تسهیل نموده و همچنین میزان سازگاری و ناسازگاری تصمیم را نشان می‌دهد، که از مزایای ممتاز این روش در تصمیم‌گیری چند معیاره هست. (قدسی‌پور، ۱۳۷۹).

در مرحله اول این فرایند شامل ساختن درخت سلسله‌مراتب تصمیم همراه با سطوح مختلف آن می‌باشد. سطح اول این درخت سلسله‌مراتب هدف را تعیین می‌کند که در این پژوهش، تعیین گزینه‌های برتر گروه‌های صنعتی با توجه به طبقه‌بندی ISIC^۴ چهاررقمی که بر مبنای ملاک‌های اقتصاد مقاومتی رتبه‌بندی شده‌اند هدف هست در سطح دوم نیز معیارهای تصمیم‌گیری می‌باشند که در این پژوهش از ۱۵ معیار در سه زیرشاخه صنعت دانش‌بنیان، رهایی از وابستگی و ارتقای کارایی و بهره‌وری استفاده شده است. در زیرگروه رهایی از وابستگی شاخص‌های تقویت صنایع بخش خصوصی، تقویت صنایع استراتژیک

مرتبط با نیازهای اساسی مردم، کاهش وابستگی به مواد اولیه خارجی و کاهش وابستگی به سرمایه خارجی قرار می‌گیرند. در زیرگروه راهبرد صنعت دانش‌بنیان نیز شاخص افزایش میزان آموزش کارکنان، افزایش میزان هزینه تحقیقات و آزمایشگاه و افزایش نسبت شاغلین متخصص هر صنعت در این راهبرد جای می‌گیرند. در زیرگروه راهبرد ارتقاء کارایی و بهره‌وری نیز شاخص‌های بهره‌وری نیروی کار، بهره‌دهی مواد اولیه، بهره‌دهی سرمایه، بهره‌دهی انرژی، بهره‌دهی تولیدات، هزینه استهلاک، میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای و میزان نشت پسماندهای صنعتی در این راهبرد جای می‌گیرند.

در مرحله دوم فرایند سلسله مراتبی بر اساس پرسشنامه‌های توزیع شده بین نخبگان صنعت و دانشگاه به مقایسه زوجی ۱۵ معیار و شاخص اولویت‌بندی صنایع بر مبنای اقتصاد مقاومتی پرداخته می‌شود.

در مرحله سوم نیز به استخراج اولویت‌ها از جدول‌های مقایسه گروهی و انتخاب بهترین گزینه می‌پردازیم. در این مرحله وزن نسبی عوامل هر سطح از سطوح سلسله‌مراتب مدل محاسبه می‌شود. بدین منظور از مفهوم نرمال‌سازی و میانگین موزون استفاده و پس از نرمال کردن، از مقادیر هر سطر میانگین موزون گرفته می‌شود. مقادیر حاصل از میانگین موزون نشان‌دهنده اولویت (درجه اهمیت) گزینه رقیب است.

در این پژوهش نیز جدول زیر نشان‌دهنده میزان اولویت هر یک از معیارها هست که توسط نرم‌افزار سوپر دیسی ژن (Super decision) محاسبه گردیده است.

جدول ۱ وزن هریک از شاخص‌های اولویت‌بندی صنایع بر مبنای اقتصاد مقاومتی؛ منبع: نتایج پژوهش

رتبه	شاخص‌های اولویت‌بندی صنایع بر مبنای اقتصاد مقاومتی	نرمال	ایده‌آل
1	کاهش وابستگی به مواد اولیه خارجی	0.193	1
2	تقویت صنایع استراتژیک مرتبط با نیازهای اساسی مردم	0.1097	0.5682
3	افزایش میزان آموزش کارکنان	0.1072	0.5556
4	افزایش بهره‌وری نیروی کار	0.0851	0.4411
5	افزایش میزان هزینه تحقیقات و آزمایشگاه	0.0851	0.441
6	تقویت صنایع بخش خصوصی	0.0779	0.4036
7	افزایش نسبت شاغلین متخصص هر صنعت به کل شاغلین صنعت	0.0676	0.35
8	افزایش بهره‌دهی انرژی	0.0596	0.3088
9	افزایش بهره‌وری مواد اولیه	0.0544	0.2818
10	افزایش بهره‌وری سرمایه	0.0483	0.2503

0.2043	0.0394	افزایش نسبت ارزش افزوده به تولید	11
0.1658	0.032	کاهش وابستگی به سرمایه خارجی	12
0.0842	0.0163	کاهش هزینه استهلاک	13
0.0643	0.0124	کاهش میزان انتشار پساب‌های صنعتی	14
0.0618	0.0119	کاهش میزان آلاینده‌گی (و انتشار گازهای گلخانه‌ای)	15

مرحله چهارم، محاسبه نرخ سازگاری (Consistency ratio) است. نرخ سازگاری مکانیسمی است که میزان اعتماد به اولویت‌های به دست آمده را نشان می‌دهد به طوری که اگر CR کمتر از ۰/۱ باشد می‌توان سازگاری مقایسه‌ها را پذیرفت، در غیر این صورت باید مقایسه‌ها دوباره انجام گردد. در این پژوهش نیز نرخ سازگاری نیز کمتر از ۰/۱ بوده و نتایج بسیار سازگار باهم می‌باشند. در مرحله نهایی نیز با ضرب وزن هر یک از شاخص‌ها در عدد بین یک و منفی یک استخراجی از اطلاعات مرکز آمار در مورد هر یک از ۱۳۵ رشته فعالیت صنعتی بر اساس کدهای ISIC چهاررقمی - در نهایت جمع تمامی این اعداد با یکدیگر در هر ردیف رشته فعالیت صنعتی و با مقایسه و رتبه‌بندی این اعداد به دست آمده با یکدیگر به اولویت‌های سرمایه‌گذاری صنعت کشور بر مبنای اقتصاد مقاومتی می‌باشند؛ می‌رسیم. رشته فعالیت تولید ابزارهای ایتیکی و تجهیزات عکاسی با کد ایسیک ۳۳۲۰، اولین اولویت برای سرمایه‌گذاری و حمایت در راستای اقتصاد مقاومتی می‌باشد این رشته فعالیت جزء فعالیت‌هایی می‌باشد که کمترین وابستگی به مواد اولیه خارجی داشته و اصلاً از سرمایه خارجی استفاده نکرده است، ۸۸ درصد این رشته فعالیت به صورت خصوصی اداره شده و از همه مهم‌تر حدود ۵۰ درصد هزینه این رشته فعالیت، صرف امور تحقیقات و آزمایشگاه شده است. بیش از ۷۰ درصد شاغلین این رشته فعالیت صنعتی را متخصصین تشکیل می‌دهند و بهره‌وری نیروی کار در این رشته فعالیت صنعتی بیش از ۹۹ درصد می‌باشد که در اولویت‌بندی رتبه این رشته فعالیت را ارتقاء داده است و این رشته فعالیت صنعتی را به رتبه یک اولویت‌بندی صنایع سوق داده است.

رشته فعالیت تولید تجهیزات پزشکی و جراحی نیز دومین رتبه را در اولویت‌بندی صنایع بر مبنای اقتصاد مقاومتی کسب نموده است. این رشته فعالیت صنعتی بیش از ۹۴ درصد به صورت خصوصی اداره می‌شود، تنها ۳ درصد از مواد اولیه این رشته فعالیت از خارج تأمین می‌گردد. تقریباً ۵۰ درصد شاغلین این رشته فعالیت را متخصصین تشکیل

می‌دهند. همچنین این رشته فعالیت جزء صنایع استراتژیک مرتبط با نیازهای اساسی مردم می‌باشد.

رشته فعالیت تولید تجهیزات کنترل عملیات‌های صنعتی نیز سومین رتبه در اولویت‌بندی صنایع را به دست آورده است. این رشته فعالیت دارای مدیریت ۱۰۰ درصد خصوصی بوده، تنها یک و نیم درصد به مواد اولیه خارجی وابستگی داشته، ۴۷ درصد شاغلین این رشته فعالیت را متخصصین تشکیل می‌دهند. این رشته فعالیت دارای ۷۴ درصد بهره‌دهی تولیدات می‌باشد.

۶. نتیجه‌گیری

همان‌طور که از اجرای این مدل در مورد صنایع جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌فرمایید (جدول شماره ۱)، اولین اولویت جهت اجرایی نمودن اقتصاد مقاومتی در صنایع کشور، کاهش وابستگی به مواد اولیه خارجی هست. این عامل که در تولیدات صنعتی نقش بسیار مهمی داشته و کل صنعت در صورت نبود یکی از اقلام خارجی، ممکن است متوقف گردد؛ این شاخص در اولویت‌بندی معیارهای اولویت‌بندی صنایع رتبه اول را به خود اختصاص داده که نشان‌دهنده میزان اهمیت بالای این عامل است. دومین معیار مهم در راستای اجرا و عملیاتی نمودن اقتصاد مقاومتی، تقویت صنایع استراتژیک مرتبط با نیازهای اساسی مردم هست. در بخش صنعت نیز، در این شرایط باید صنایع مرتبط با نیازهای اساسی مردم در اولویت اول سرمایه‌گذاری و حمایت قرار گیرند، چراکه تأمین نیازهای معیشتی و اساسی و رسیدن به خودکفایی اقتصادی یکی از اساسی‌ترین وظایف عمومی و دولتی هر کشوری هست. سومین معیار که در این پژوهش با توجه به نظرات نخبگان بسیار اهمیت دارد، افزایش میزان آموزش کارکنان هر رشته فعالیت صنعتی هست. در راستای تقویت صنعت دانش‌بنیان، یکی از ارکان مهم ایجاد آن، تقویت مهارت و دانش کارگران و نیروی‌های شاغل در صنایع هست. در همین راستا با آموزش مداوم کارکنان و صرف هزینه‌های آموزشی می‌توان به صنایع با بازدهی بسیار بالاتر از صنایع فعلی دست پیدا کرد که علاوه بر رهایی از وابستگی، باعث افزایش بهره‌وری نیز می‌گردد.

در یک نگاه کلی به صنایعی که اولین اولویت‌ها را به دست آورده‌اند می‌توان فهمید که صنایعی که نزدیک‌تر با صنایع دانش‌بنیان می‌باشند در اولویت بالاتری قرار گرفته‌اند؛ لذا می‌توان گفت در راهبردهای اساسی اقتصاد مقاومتی در راستای تعیین الگوی توسعه زیر

بخش‌های صنعت می‌بایست صناعی که مبتنی بر دانش و تحقیقات بوده و این خصوصیت باعث بهره‌وری بیشتری برای آن‌ها شده در اولویت‌های اول قرار بگیرند.

کتاب‌نامه

- سند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۱/۳۰.
- سند برنامه راهبردی وزارت صنعت و معدن و تجارت، تیرماه ۱۳۹۴.
- احدی نیا، علی (۱۳۸۴). راهکارهای افزایش بهره‌وری. تدبیر، تابستان.
- اژدری، علی اصغر (۱۳۹۴)؛ گزارش پژوهشی چشم‌انداز سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران (توصیه‌های سیاستی برای برنامه ششم توسعه)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بهمن ۱۳۹۴.
- اژدری، علی اصغر، حیدری، حسن (۱۳۹۴)؛ گزارش پژوهشی دورنمای رشد صنعتی در اقتصاد ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دی‌ماه ۱۳۹۴.
- پهلوانی، علی (۱۳۸۸)، «اولویت‌بندی سرمایه‌گذاری با استفاده از روش تصمیم‌گیری سلسله‌مراتبی گروهی TOPSIS در محیط فازی»، نشریه مدیریت صنعتی، دوره ۱.
- تفضلی، فریدون (۱۳۸۸)، «رتبه‌بندی صنایع در بخش تعاون با توجه به شاخص‌های توسعه محور تأثیرگذار بر افزایش سهم تعاون در اقتصاد کشور»، تعاون، سال بیستم، شماره ۲۱۰ و ۲۱۱.
- جهانگیری، علی و نصیری، محمد (۱۳۸۶)، «بررسی و تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری صنعتی کشور با استفاده از تکنیک تاکسونومی»، پژوهشنامه علمی علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۲۵.
- حسینی، میرزا حسن و حسینی، روح‌الله (۱۳۸۶)، «مبانی مدیریت صنعتی»، تهران: نشر استادی.
- خلیلی عراقی، سیدمنصور و رضایی، حسن (۱۳۹۰)، «تعیین صنایع استراتژیک اقتصاد ایران»، سال یازدهم، پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۲.
- رجب‌پور، حسن (۱۳۹۴)؛ گزارش پژوهشی ارزیابی برنامه راهبردی وزارت صنعت و معدن و تجارت؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ بهمن ۱۳۹۴.
- سلیمی فر، مصطفی و شیرزور، زهرا (۱۳۸۷)، «شناسایی و تحلیل مزیت‌های رتبه‌ای صنایع در استان‌های خراسان»، فصلنامه بررسی‌های اقتصادی شماره ۱ دوره ۵.
- قدسی پور، حسن (۱۳۷۹)، «فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی»، تهران: انتشارات دانشگاه امیرکبیر.
- معصوم زاده، سید محسن و تراب زاده، اقدس (۱۳۸۳) «رتبه‌بندی تولیدات صنعتی کشور»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۰.
- نبوتی، حجت (۱۳۸۶)، «رتبه‌بندی صنایع ایران بر اساس تکنیک‌های تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه»، پنجمین کنفرانس بین‌المللی مهندسی صنایع. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- هوشمند، حسین و خدادوست، محمود (۱۳۸۷)، «رتبه‌بندی صنایع فهرست شده در بورس اوراق بهادار تهران بر اساس میزان برخورداری از شاخص‌های مطلوب»، مجله دانش و توسعه، شماره ۲۴.